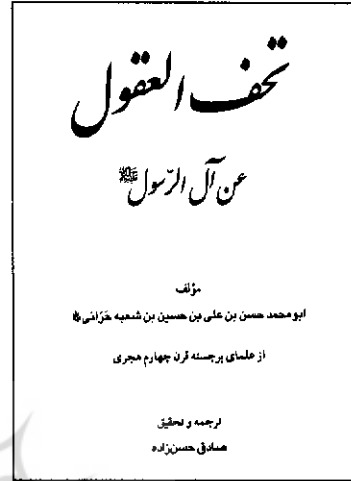


نگاهی به یک ترجمه

◀ مهدی غلامعلی



کتاب تحف العقول فیما جاء من الحكم و المواعظ عن آل الرسول (ص) اثر ابو محمد حسن بن علی بن حسین بن شعبه حرّانی حلبی، معاصر شیخ صدوق و درگذشته به سال ۳۸۱ق، است.

ابن شعبه از اساتید شیخ مفید و از شاگردان ابوعلی محمد بن همام (م ۳۳۶ق) بوده و علمای بزرگ ما از ایشان به عنوان فقیه، محدث و عالم خبیر یاد کرده اند. شیخ علی بن حسین بن صادق بحرانی در رساله اخلاقی خود پس از ذکر نام وی می نویسد:

إنه من قدماء أصحابنا حتی ان شیخنا المفید ینقل عنه و کتابه، لم یسمح الدهر بمثله^۱

در میان کتابهای حدیثی قرن پنجم، کتاب تحف العقول دارای امتیازات خاصی است که علی رغم ارسال آن، از پایداری و مقبولیت بسیار خوبی تاکنون برخوردار بوده است. ترتیب احادیث بنا بر بیانات حضرات معصومان(ع)، انتخاب متنهای قوی و کم نظیر،

۱. الذریعة، شیخ آقابزرگ تهرانی، ج ۳، ص ۴۰۰.



گزینش کلمات قصار در پایان کلمات مفصل از امتیازات این کتاب شریف است و شاید همین امور سبب گردیده تا جامعه علمی شیعه هیچ گاه از آن غفلت نرزد.

خوش سلیقه گی مؤلف گرانقدر آن در انتخاب شایسته از فرمایشات اهل بیت (ع) باعث شده تا عموم مردم نیز این کتاب را مورد پسند و استقبال قرار دهند و این استقبال فراگیر، مترجمان را بر آن داشته تا پارسی زبانان را نیز از این چشمه پر فیض سیراب نمایند.

تاکنون اساتید زبردست و پرسابقه ای اقدام به ترجمه این کتاب شریف نموده اند. آقایان محمدباقر کمره ای^۲ و احمد جنتی^۳ از کسانی هستند که به این کار مبادرت ورزیده اند. این دو ترجمه با این که از دقت خوبی برخوردارند، ولی با ادبیات عصر حاضر همخوانی نداشته، و نیازمند بازنویسی جدید هستند.

در سالهای اخیر دو ترجمه دیگر از تحف العقول به چاپ رسیده است که ترجمه اول تحت عنوان رهاورد خرد^۴ اثر آقای پرویز اتابکی و ترجمه دیگر از آقای بهراد جعفری^۵ است. رهاورد خرد ترجمه ای دقیق و زیباست که متنی ادبی به شمار می رود و ترجمه بهراد جعفری نیز در قالب متنی ساده و گویا عرضه شده است.

گذشته از چهار ترجمه ای که ذکر شد،^۶ به تازگی نیز ترجمه ای از کتاب منتشر شده که مبلغان آن «سلیس و روان» بودن متن فارسی اش را، از امتیازات بارز آن می دانند. این ترجمه که در چاپی تقریباً نفیس و زیبا در ۹۵۷ صفحه عرضه شده، اثر جناب آقای صادق حسن زاده است که در داخل کتاب، نام ایشان را زیر عنوان «ترجمه و تحقیق» می خوانیم.

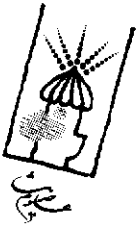
۲. این ترجمه در سال ۱۳۴۲ ش، پایان یافته است و به همراه متن عربی و تصحیح استاد علی اکبر غفاری در سال ۱۳۵۴ ش، از سوی کتابفروشی اسلامیه منتشر شده است.

۳. این ترجمه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی به چاپ رسیده و در سال ۱۳۶۷ ش، از سوی انتشارات امیرکبیر، با ویرایش جدید منتشر شده است.

۴. تهران: نشر و پژوهش فرزاد روز، ۱۳۷۶ ش.

۵. تهران: نشر صدوق، ۱۳۷۷ ش.

۶. ترجمه ای دیگر به وسیله آقای ولی فاطمه انجام شده که چون متن کامل تحف العقول را دربر نگرفته و فقط گزینش بخشی از آن بوده، به آن پرداخته نشده است.



بر این ترجمه اشکالات و ایرادهایی وارد است که در این جا به برخی از آنها اشاره می شود:

اشکالات عمومی

مترجمان و محققان معمولاً پس از اتمام کار، در مقدمه کتاب، به نحوه تحقیق، نسخه های مورد اعتماد، شیوه ترجمه، معرفی کتاب و مؤلف و ... می پردازند، اما خواننده این اثر تازه به چاپ رسیده در شگفت می ماند که این کتاب وزین و مهم چرا فاقد هرگونه مقدمه ای است. بسیار بجا بود که مترجم محترم نام کتابهای مورد استفاده خویش را - چنان که که مرسوم اهل ادب و ترجمه است - ذکر می کرد و حداقل یادی از مترجمان سابق می نمود. این کمترین خدمتی است که یک مترجم امانت دار می تواند نسبت به جامعه علمی انجام دهد. مثلاً آقای پرویز اتابکی - که به حق مترجم توانایی است و شاید مراجعه وی به ترجمه های سابق تحف العقول بسیار محدود بوده، ولی این قدرشناسی را بسیار متواضعانه در مقدمه رهاورد خرد (ص ۶) چنین بیان می کند:

تاکنون دو ترجمه فارسی از تحف العقول چاپ و منتشر شده است که این بنده اعتراف به فضل تقدّم و افضلیت مترجمان دانشمند آن دو ترجمه را بر خویشتن که از هر دو بهره بسیار گرفته است واجب می داند. خدمت بزرگ اسلامی علمی و فرهنگی آن دو بزرگوار نزد ابناء روزگار منظور و مشکور و نزد پروردگار مآجور باد!

خواننده این مقاله در ادامه خواهد دانست که چرا این مترجم نه یادی از مترجمان پیشین نموده و نه به نسخه های مورد اعتماد خویش اشاره ای داشته است. از کتاب تحف العقول نسخ خطی زیادی در کتابخانه های ایران موجود است و می توان از نسخه هایی در کتابخانه های مجلس شورای اسلامی،^۷ کتابخانه فاضل خوانساری،^۸

۷. فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ج ۱۷، ص ۳۲۳ (کتاب قرن ۱۱) و ج ۲۵، ص ۱۶۲ (بی تا).

۸. فهرست نسخ خطی کتابخانه فاضل خوانسار، ج ۱، ص ۱۶۴ (کتابت ۱۰۶۹ق).



کتابخانه آیت الله گلپایگانی،^۹ کتابخانه آیت الله مرعشی،^{۱۱} کتابخانه ملی تهران^{۱۱} و مرکز احیاء میراث اسلامی^{۱۲} یاد نمود، که در میان این آثار نفیس خطی، قدیمی ترین نسخه مربوط به مرکز احیاء میراث اسلامی است که تاریخ کتابت آن ۱۷ صفر ۹۸۳ ق، است.

با وجود این همه نُسخ خطی ارزشمند، مترجم و محقق این اثر تازه به چاپ رسیده از هیچ کدام از این نسخ یادی نکرده و شاید هم استفاده نکرده است!!!

اشکال دیگر این تحقیق و ترجمه، نداشتن پانوش است. گویی محقق و مترجم محترم در اثنای این کار بزرگ به هیچ مشکل خاص، یا تفاوتی در نسخه های بدل و یا به هیچ مطلب تازه ای دست نیازیده است.

البته در غالب مواردی که در بیانات معصومان، آیه ای از قرآن آمده است، ایشان نشانی آن آیه را ذکر کرده و در چند مورد نیز توضیح اضافی داده است؛ اما اولاً این توضیحات اضافی در کل کتاب کمتر از شمار انگشتان دست است و ثانیاً کاش این تذکرات را نیز نمی داد تا خواننده متحیر و سرگردان نشود (نمونه آن در اولین مورد از اشکالات لغتنامه ای خواهد آمد).

اشکالات لغت نامه ای

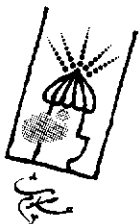
۱. بخشی از خطبه اول امام علی (ع) موسوم به «فی اخلاص التوحید»، ص ۱۰۴:
کل قائم بنفسه مصنوع و کل موجود فی سواه معلول.
مترجم محترم چنین ترجمه کرده است: هر چیزی که به ذات خود شناخته شود،

۹. فهرست نسخ خطی کتابخانه آیه الله گلپایگانی، ج ۲، ص ۲۸ (کتابت ۱۲۷۸ ق).

۱۰. فهرست نسخ خطی کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ج ۱۶، ص ۱۵۱ (کتابت اوائل قرن ۱۴).

۱۱. این نسخه یکی از دو اثری است که استاد علی اکبر غفاری در تصحیح تحف العقول به آن اعتماد کرده است.

۱۲. این نسخه ثبت شده در فهرست نسخ خطی آن مرکز (ج ۹، مخطوط)، کتابت. ظاهراً همان نسخه نفیس محدث ارموی است که استاد علی اکبر غفاری در مقدمه تصحیح خود از آن یاد کرده است.



شناخته شده است و هر چه به خود برپا نباشد، دیگری اش پرداخته است.
و آن گاه در توضیح خود - که بین دو قلاب آمده است - می نویسد:

[در بعضی از نسخه های تحف العقول و در نهج البلاغة به جای «کل قائم بنفسه»، «کل معروف بنفسه» آمده که صحیح تر به نظر می رسد و مطابق آن نیز ترجمه کردیم].^{۱۳}

مطلب نخست: این بخش از کلام امام علی (ع) در بسیاری از کتب حدیثی اعم از نهج البلاغة،^{۱۴} عیون اخبار الرضا (ع)،^{۱۵} التوحید،^{۱۶} الامالی (مفید^{۱۷} و طوسی^{۱۸})، الإحتجاج،^{۱۹} بحار الانوار،^{۲۰} و... آمده است، ولی در هیچ یک از این مصادر و همچنین در دیگر نسخه های تحف العقول «معروف» بجای «مصنوع» نیامده است. مترجم در فراز گزینه ای جمله فارسی خود مصنوع را نیز معروف فرض کرده و «شناخته شده است» ترجمه کرده است. و این غیر از این که یک اشتباه فاحش است و هیچ معنای درستی را نمی رساند، با روح کلام حضرت نیز بیگانه است و از یک بحث عمیق توحیدی فرسنگها فاصله دارد.

مطلب دوم: در ترجمه فراز دوم حدیث، عبارت «کل موجود فی سواه» را مترجم به «هر چه به خود برپا نباشد»، ترجمه کرده است، در حالی که ترجمه آن بایستی چنین باشد: «هر آنچه در چیز دیگری (یا به چیز دیگر) غیر از خود قائم و پا برجا باشد». ^{۲۱} علت این تفاوت معنا - اگرچه با روح کلام امام مغایر نیست - این است که مترجم از اختلاف متن

۱۳. ترجمه متن کامل تحف العقول، صادق حسن زاده، ص ۱۰۵.

۱۴. نهج البلاغة، خطبه ۱۸۶.

۱۵. عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۲، ص ۱۳۶، ح ۵۱.

۱۶. التوحید، ص ۳۵، ح ۲.

۱۷. الامالی، شیخ مفید، ص ۲۵۴.

۱۸. الامالی، شیخ طوسی، ص ۲۲، ح ۲۸.

۱۹. الإحتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۱۷۵.

۲۰. بحار الانوار، ج ۴، ص ۲۲۸، ح ۳.

۲۱. تحف العقول، ترجمه بهراد جعفری، ص ۱۰۵.



نهج البلاغه با تحف العقول در این فراز غافل بوده و دقیقاً ترجمه متن نهج البلاغه را ارائه نموده است. در نهج البلاغه چنین آمده است:

«كل قائم في سواه ...»

در اینجا این سؤال مطرح می شود که آیا مترجم چون مراجعه به متن نهج البلاغه نموده، دچار چنین اشکالی شده یا اینکه در نسخه دیگری از تحف العقول چنین عبارتی آمده است؟ دلیل این اشکال و مابقی اشکالات هیچ یک از این دو نیست، بلکه علت سومی دارد که بدان اشاره می شود.

۲. بخشی از سخنان امام صادق(ع) تحت عنوان «صفة الخروج من الايمان»، ص ۵۹۴:

وقل ما يلبث الانسان على ضلالة حتى يميل بهواه إلى بعض ما وصفناه من صفة؟

کم باشد که انسان در گمراهی گام بردارد و هوای نفس، او را متمایل به بعضی از آنچه وصف کردیم، نسازد.

مترجم محترم «لَبِثَ» را به معنای «گام برداشتن» دانسته، درحالی که «لَبِثَ» به معنای توقف، درنگ و ایستادن است و در هیچ یک از کتب لغت چنین معنایی برای آن درج نشده است.

«لَبِثَ»: اللام و الباء و الشام حرف يدل على تَمَكُّث. يقال: لَبِثَ بِالْمَكَانِ: اقام.

قال الله تعالى: «لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ». ۲۲

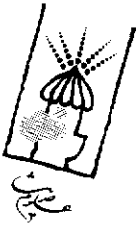
لَبِثَ: اللَّبِثُ وَاللَّبَاثُ: الْمُكْثُ... لُبَيْتَةٌ أَيْ تَوَقُّفٌ. ۲۳

طبق ترجمه آقای حسن زاده حرکت کردن در گمراهی و گام برداشتن در این راه موجب خسارت و ... می شود و طبق فرمایش امام صادق(ع) حتی درنگ در گمراهی نیز جایز نیست؛ یعنی دو معنای کاملاً متضاد.

۳. در بخشی از کلمات قصار امام صادق(ع)، ص ۶۶۴:

۲۲. معجم مقایس اللغة، ج ۵، ص ۲۲۸.

۲۳. لسان العرب، ج ۲، ص ۱۸۲.



إِنَّ اللَّهَ قَدْ جَعَلَ كُلَّ خَيْرٍ فِي التَّرْجِيَةِ؛

به راستی که خداوند هر خیری را در «آهستگی» نهاده است.

به راستی این «آهستگی» چیست که خداوند در آن هر خیری را نهاده است؟ آهستگی صدا، آهستگی در راه رفتن و ... آیا معنای این عبارت برای خواننده روشن است؟! اگر مترجم فقط زحمت مطالعه پانوش کتاب تحف العقول،^{۲۴} چاپ انتشارات اسلامی را متحمل می شد، دچار این اشتباه نمی گردید. استاد علی اکبر غفاری در پانوش این حدیث، کلمه «التَّرجِيَةِ» را چنین معنا نموده است:

زجا یزجو زجوا و زجی تزجیة و ازجی إزجاء و ازدجی فلانا:

ساقه، دفعه برفق، يقال «زجی فلان حاجتی» ای: سهل تحصیلها.

«تزجیة» به معنای کار آسان، آسان بخشی، کار انجام گرفتنی و رفق و مداراست و نه «آهستگی» و در واقع ترجمه روایت امام صادق چنین خواهد شد:

به راستی که خدا هر خیر و صلاحی را در رفق و مدارا نهاده است.^{۲۵}

و یا

خداوند کمال هر خیر و احسانی را در آسان بخشی قرار داده است.^{۲۶}

۴. به این موعظه حضرت عیسی (ع) که در انتهای کتاب از انجیل نقل شده است توجه بفرمایید:

بحق أقول لكم! إنَّ العبدَ لا یقدرُ علی أن یخدمَ ربَّینِ و لا محالةُ أَنَّهُ یؤثرُ أحدهما علی الآخر و إنَّ جَهْدَ، كذلك لا یجتمعُ لكم حُبُّ اللَّهِ و حُبُّ الدنیا.

مترجم محترم به اشتباه «ربین» را «دو پروردگار» و «یخدم» را «بندگی کردن» ترجمه

کرده است:

از روی حقیقت به شما می گویم: به راستی که بنده نتواند دو پروردگار را بندگی

کند و هر چند کوشش کند ناگزیر یکی را بر دیگری ترجیح خواهد داد؟ همچنین

دوستی خدا و دوستی دنیا در شما گرد هم نیاید.^{۲۷}

۲۴. تحف العقول، تحقیق استاد علی اکبر غفاری، ص ۳۶۶.

۲۵. تحف العقول، ترجمه بهراد جعفری، ج ۲، ص ۱۶۷، ح ۸۴.

۲۶. رهاورد خرد، پرویز اتابکی، ص ۳۷۱.

۲۷. تحف العقول، ترجمه آقای حسن زاده، ص ۹۲۴.



در حالی که «رب» تنها به معنای پروردگار نیست و معانی مختلفی دارد که همگی از یک معنا مشتق شده‌اند و آن «مالک بودن» است.

در لسان العرب چنین آمده است:

رب كل شيء: مالکهُ و مُسْتَحِقُّهُ؛ وقيل: صاحبه. ويقال: فلان ربُّ هذا الشيء ای ملکهُ له. وکلُّ من ملک شيئاً، فهو ربه.^{۲۸}

حتی در کتب لغت به این وجه نیز اشاره شده است که رب در برخی از موارد همان معنای آقا، ارباب و مولا را می‌دهد، بنگرید:

وفي حديث اشراط الساعة: وان تلد الامة ربها وربتها. قال: الربُّ يُطلق في اللغة على المالك والسيد والمُدبِّر والمُرَبِّي والقِيَم والمُنعم.^{۲۹}

در اینجا نیز «ربین» یعنی دو ارباب و یا به تعبیر آقای اتابکی «دو برده‌دار» و به تعبیر انجیل متی دو آقا، دو سید و مولا، معنا می‌دهد. اگرچه این روایت در انجیل متی با الفاظ دیگری آمده، ولی مضمون آن با متن ما یکی بوده و مؤید نظر ماست:

لا يمكن لاحد ان يكون عبداً لسيدين: لانه إما ان يُغضَّ احدهما فيحب الآخر و إما ان يلزم احدهما فيهجر الآخر. لا يمكنكم ان تكونوا عبيداً لله و المال معاً.^{۳۰}

حال ترجمه عبارت موجود در تحف المقول را از رهاورد خرد می‌آوریم:

به حقیقت به شما می‌گویم: به راستی، بنده نمی‌تواند دو برده‌دار را خدمت کند و هرچه بکوشد ناگزیر یکی را بر دیگری ترجیح می‌دهد. همچنین دوستی خدا و دوستی دنیا برای شما فراهم نیاید.^{۳۱}

و اما چرا؟

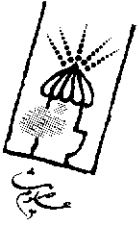
اکنون وقت آن است که به چرایی غلطها و اشتباههای این ترجمه بپردازیم و از یک انحراف

۲۸. لسان العرب، ج ۱، ص ۳۳۹.

۲۹. همان.

۳۰. المهد الجديد الانجیل، متی: ص ۸، ص ۲۴، (الله و المال).

۳۱. رهاورد خرد، پرویز اتابکی، ص ۵۲۶.



و اشتباه بزرگ که در سرتاسر کتاب سایه افکنده پرده برداریم .

انصاف این است که در ترجمه آقای حسن زاده اشتباههای بزرگ ، چندان که معنا را دگرگون سازد، بسیار کم و نادر است و با توجه به اینکه تحف العقول کتابی است مملو از لغت‌های مشکل این دقت را می طلبد که بدانیم آیا این کم غلط بودن حاکی از توانایی مترجم است و یا حاکی از توانایی مترجمان سابق!!



باید در این ترجمه به جهت کم اشکال بودن از آقای پرویز اتابکی قدردانی کرد ؛ چرا که این ترجمه تماماً از ابتدا تا به انتها همان ترجمه آقای اتابکی است که تنها برخی از لغات ادیبانه و جمله بندی ایشان تغییر نموده است . می توان دو ترجمه را از ابتدا تا به انتها با یکدیگر مقابله نمود و صدق این مدعا را تأیید کرد .

جناب اتابکی در ترجمه متون ادبی عربی ، زبردستی

خویش را با ترجمه این کتاب (رهاورد خرد) و بسیاری از کتب^{۳۲} دیگر نظیر کتاب وزین وقعة صفین ، با عنوان پیکار صفین ، به اثبات رسانده است .

کسانی که با متون عربی آشنایی دارند ، یقیناً به مشکل بودن متون این دو کتاب و به ویژه کتاب وقعة صفین معترف اند و شاید همین سنگینی این متون است که کمتر کسی به خود جرات ترجمه آنها را داده است .

وقعة صفین اثر نصر بن مزاحم منقری (م ۲۱۲ق) قدیمی ترین و کامل ترین متنی است که رویداد مهم صفین را گزارش نموده است . این متن هزار و دویست ساله مملو از کلمات بزرگان ، اشعار ، رجزها و مثل‌های عربی است که مترجم (آقای پرویز اتابکی) ، این کتاب حجیم را به بهترین شیوه ترجمه نموده است .

پرویز اتابکی در رهاورد خرد نیز آن چنان با حوصله و دقت به این امر خطیر اقدام نموده

۳۲ . از آقای پرویز اتابکی تاکنون کتب زیر به چاپ رسیده است : برگزیده و شرح آثار سعدی ، برگزیده و شرح شاهنامه ، برگزیده ای از دیوان عبید زاکانی ، برگزیده ای از مثنوی و ترجمه های تاریخ ایوبیان (ترجمه مفرج الکروب فی اخبار بنی ایوب) و سفیران (ترجمه رسل الملوك) که در مورد سفارت در اسلام و غرب است .



است که حتی از ترجمه نسخه های بدل، غافل نبوده و خواننده، صفحه ای را خالی از پانویشت نمی بیند. به واقع در پانویشتهاست که خوانند ناخودآگاه به دقت و تحقیق مترجم اعتراف می کنند. البته انصاف این است که در رهاورد خرد نیز اشتباهاتی رخ داده و حتی گاهی یک سطر از روایت و یا یک روایت از قلم افتاده است.

اکنون وقت آن است که ما برای آسان شدن کار خوانندگان مقاله از دو متن رهاورد خرد و ترجمه آقای حسن زاده، چند ترجمه را از بخش های مختلف کتاب با ذکر اختلاف این دو ترجمه ذکر کنیم تا شما خود قضاوت نمایید که ... ترجمه اصلی از کیست:

۱. امام علی (ع) در عهدنامه مالک اشتر: ولیکن ابعده رعیتک منک ...

ترجمه استاد اتابکی: باید دورترین افراد رعیت از تو و منفورترین آنان به دیده تو کسی باشد که بیشتر عیبجویی مردم کند.^{۳۳}

آقای حسن زاده: باید دورترین افراد رعیت از تو و منفورترین آنان در نزد تو کسی باشد که بیش از دیگران عیب مردم را می جوید.^{۳۴}

۲. سخنان امام صادق (ع) در «صفة الخروج من الايمان»: و قل ما یلبث الانسان ...
ترجمه استاد اتابکی: کم باشد که انسان در گمراهی درنگ کند و هوای نفسش او را به دامان برخی از آنچه وصف کردیم، نکشاند.^{۳۵}
ترجمه آقای حسن زاده: کم باشد که انسان در گمراهی گام بردارد و هوای نفسش او را متمایل به بعضی از آنچه وصف کردیم، نسازد.^{۳۶}

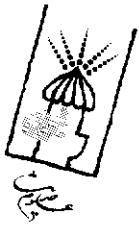
که قبلاً در مورد اشتباهی که آقای حسن زاده در ترجمه «یلبث» نمودند سخن گفتیم.
۳. سخنان امام صادق (ع)، نثر الدرر: ثلاث خصال یحتاج، إليها صاحب الدنيا ...
ترجمه استاد اتابکی: سه خصلت است که دنیا دار را بدانها نیاز است: آسایش،

۳۳. رهاورد خرد، پرویز اتابکی، ص ۱۲۸.

۳۴. ترجمه کامل متن تحف العقول، صادق حسن زاده، ص ۲۱۰.

۳۵. رهاورد خرد، پرویز اتابکی، ص ۳۳۷.

۳۶. ترجمه کامل متن تحف العقول، صادق حسن زاده، ص ۵۹۴.



چندان که به سستی نکشد و گشایش، همراه با قناعت و دلیری، بدون تنبلی. ۳۷

ترجمه آقای حسن زاده: دنیادار به سه چیز نیاز دارد: آسایش، در حدی که به سستی منجر نشود، توسعه زندگی در حدی که قناعت فراموش نشود و شجاعت، بدون اینکه در آن راه یابد. ۳۸ معمولاً مترجمان صاحب سبک واژه سازی می کنند و این واژه ها از منفردات هر شخص است، در اینجا آقای اتابکی «صاحب الدنیا» را «دنیادار» ترجمه نمودند که شاید به صورت کاملاً اتفاقی این واژه نیز در ترجمه مورد بحث ما عیناً تکرار شده است!!

۴. سخنان امام صادق(ع)، نثر الدرر: الرجال ثلاثة: عاقل و احمق... إن تكلم عجل و ان حدث ذهل...

ترجمه استاد اتابکی: مردان سه گونه اند: ... اگر سخن گوید، شتاب ورزد و چون گفت و گو کند، خود را بیازد. ۳۹

ترجمه آقای حسن زاده: مردان سه گونه اند: ... اگر سخن گوید، شتاب نماید و اگر به گفت و گو پردازد، خود را بیازد. ۴۰

۵. سخنان امام حسن عسکری(ع)، قصار ۲: من رضی بدون الشرف من المجلس... ترجمه استاد اتابکی: هر که پایین نشینی در مجلس خرسند باشد خدا و فرشتگان همچنان بر او رحمت فرستند تا برخیزد. ۴۱

ترجمه آقای حسن زاده: هر که به پایین نشینی در مجلس رضایت دهد خدا و فرشتگان پیوسته بر او رحمت فرستند تا برخیزد. ۴۲

کوتاه سخن اینکه این اشکالات نمی بود از دریا، ولی این سؤال همچنان باقی می ماند که چرا بایستی فن معتبر ترجمه و تحقیق این چنین مورد تحقیر واقع شود که برخی به خود اجازه دهند تا دسترنج دیگران را تنها با یک جابه جایی سطحی کلمات به نام خود عرضه کنند و حتی از کوچک ترین اشاره به نام مترجم اصلی دریغ ورزند.

۳۷. رهاورد خرد، ص ۳۳۱.

۳۸. متن کامل ترجمه تحف العقول، صادق حسن زاده، ص ۵۸۵.

۳۹. رهاورد خرد، ص ۳۳۰.

۴۰. متن کامل ترجمه تحف العقول، صادق حسن زاده، ص ۵۸۲.

۴۱. رهاورد خرد، ص ۵۰۸.

۴۲. متن کامل ترجمه تحف العقول، صادق حسن زاده، ص ۸۸۷.



وسعارش مفضل بن خنبر به شیخان

شما را سعارش می‌کنم به تقوی‌های خدای یگانه که او را انبیازی نیست و کسی را همی از اینکه سعادی جز الله نیست و اینکه محمد بنده و پیاپی اوست. از شما هر را نشاید و گفتار نیکو بر زبان رانید و دنبال جنبش‌های خدا باشید و از دشمن او بترسید. بر سبقت الهی باشید و از حدود الهی تجاوز ننمایید و خداوند را در همه امور تان مثل نظر داشته باشید و به قضای الهی - چه به سود شما باشد و چه به زیان‌تان - رضا دهید.

ملا هر که به شما نیکی کرد به امر به معروف و نهی از منکر بر تازید. ملا هر که به شما نیکی کرد بیشتر به او نیکی نمایید و هر که به شما بدی کرد از او در گذرید و با مردم به بهترین وجهی که در توان دارید رفتار نمایید و همانا از شما آن سزاوارتر باشد که شیوه‌های در پیش گیرید که راه انجمن‌های دیگران را بر خود فراهم سازید و بر شمس‌ت که در فهم صحتی دین خدا بر تازید و از آنچه در دین خدا حرام شده کاره نگیرید و با همشین خود خوش صحبت باشید. خواه نیکوکار باشد و خواه بدکار.

ملا هر شمس‌ت به خوبیشین تازی نشدید؛ زیرا سعبار دین خوبیشین تازی است. نمازها را در اوقاتش برگزار نمایید و واجبات را با شرایط خود انجام دهید.

ملا در انجام امری که خدا بر شما واجب نموده و بدان از شما را می‌سی‌شود که تانی نورزید که من از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرموده‌اند: خدا صیقله‌ای به بنده بنامه و چون بیاینگردان اسطیغی از کله‌اش بریزد؛ زیرا حقیقت این است که هر کس در دین خدا الهی‌بنده صحتی نداشته باشد در روز قیامت بر او نظری بیفتد. و بر شمس‌ت که در حال تنویر است و رنگش بیاض و رویش پسته سارید و از بعضی نعمت‌های دنیوی برای آخرت کمکی گیرید.

رهاورد حضرت

سعارش مفضل بن عمر به گروه شیخان

شما را سعارش می‌کنم به تقوی‌های خدای یگانه که او را ز سبکی نیست و عظمت از اینکه سعادی جز خداوند نیست و اینکه محمد بنده و مرسله‌ایست از شما پیرویید و گفتار نیکو گویند و خرسندی خدا را پیرویید و از جنبش‌های ترسید. بر سبقت خدا باشید و از حدود الهی در نگذرید. خدا را در همه کارهای تان در نظر آرید و به قضای هر آنچه به سود و زیان شما باشد رضا دهید.

ملا هر شمس‌ت که امر به معروف و نهی از منکر کنید.

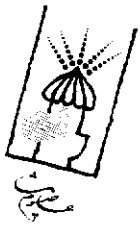
ملا هر که به شما نیکی کرد خود بیشتر از آن احسان کنید و هر که به شما بدی کرد او را بگذرید. و با مردم آن کنید که دوست دارید یا شما کنید.

ملا به بهتر گویند که تالیف را (مردم) بپذیرید و راستی را از شما آن سزود که راه (انجمن‌های دیگران) را بر خود مهار نکنید. بر شمس‌ت که دانشی دین (حق) را نماند و از آنچه در دین خدا حرام شده پیرویید و با هر که از نیکوکار و نیکوکار مشتین شمس‌ت خویش صحتی کنید.

ملا هر شمس‌ت پارسی سخت اسودد زیرا نمانه دین پارسی است. شاره را به هنگام خود بگذرید و واجبات را با شرایط خود بپردازید.

ملا در انجام آنچه خدا بر شما واجب ساخته و بدان از شما خشنود می‌شود تانوی نورزید که من از (حضرت) امیر عیالک (ابن امام صادق) علیه السلام شنیدم که فرمود: هر دین خدا دانشی درست و هم برسانید و دین بیاینگردان (افان) بپذیرید زیرا به راستی هر که در دین خدا فهم درست نیاید خلود به روز قیامت بر او نظری بیفتد. و بر شمس‌ت که در تنویر است و رنگش بیاض و رویش پسته سارید که من از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرموده‌اند: الهی‌بنده‌ای که در دین خدا صحتی نداشته باشد در روز قیامت بر او نظری بیفتد. و بر شمس‌ت که در حال تنویر است و رنگش بیاض و رویش پسته سارید و از بعضی نعمت‌های دنیوی برای آخرت کمکی گیرید.

۱- مفضل بن عمر بنی‌سبئی کوفی، از اصحاب امام صادق و کاظم علیه السلام است. شیخ طوسی قدس، یک بار یک می ۳۲۲-۳۰۰
۲- مراد از الهی، دین و سعادت او هاله آنجاست. -۳



«یک اندرز»

از چیست که می بینم دنیا دوستی بر بسیاری از مردم چیره گشته تا آنجا که گویا در این دنیا مرگ برای غیر آنان رقم خورده؟ گویا حق در این دنیا بر دیگران واجب شده است تا آنجا که وقتی خیر مردگان پیش از خود را می شنوند چنین می پندارند که آنان به مسافرتی رفته اند و به زودی نزد اینان بر می گردند! آنان را به خاک می سپارید و میرانشان را می خورید و [می پندارید] خود بعد از آنان جاوید می مانید؟ دریغ، دریغ! آیا آیندگان از گذشتگان پند نمی گیرند؟ هر پند و اندرزی را که در قرآن آمده نادیده گرفته و به دست فراموشی سپردند و از فرجام بد هر کار ناروا خود را در امان پنداشتند و از تزلزل هیچ بلا و بروز هیچ حادثه ناخوشایندی نهراسیدند.

خوشا به حال آن کس که ترس از خدایش او را از ترس مردم باز دارد.

یک اندرز^۱

از چیست که می بینم دنیا دوستی بر بسیاری از مردم چیره شده تا آنجا که گویی (پندارند) مرگ در این جهان بر دیگری نوشته شده و گویی حق در این جهان بر دیگران واجب آمده است تا آنجا که گویی خیر مردگان پیش از خود را چنان می شنوند که پنداری رفتگان مسافرانی هستند که به زودی نزدشان بازمی گردند. آنان را به گورشان؟ می سپارید و مرده ریگشان را می خورید و خود از پس آنان جاودانه می مانید؟ آو، آو، آیا آیندگان از گذشتگان پند نگیرند؟ هر پندی که در کتاب خداست نادیده گرفته و از یاد بردند و از گزند هر بدانجامی آسوده زیستند و از فرو آمدن هیچ آسیب گران و بروز هیچ حادثه ناگواری نهراسیدند.

خوشا بر آن کس که بیم از خدایش از بیم از مردم باز دارد.

خوشا بر آن کس که درآمدش پاک است و نهادش صالح و آشکارش نیکو و سرشتش درست.

خوشا بر آن کس که افزونی داراییش را انفاق کند و از افزون گویی زبانش جلوگیری کند.

خوشا بر آن کس که برای خدا - که نامش عزیز است - فروتنی کند و از آنچه بر او حلال هم

شده، بی آنکه از روش من روی بتابد، کناره گیرد و طراوت دنیا را، بی آنکه از روش من دور شود، به یک سو نهد و پس از من از نیکان خاندانم پیروی کند و با دین فهمان و حکمت دانان پیامیزد و به آ. در روضه الوافی ص ۴۲ از کافی به نقل جابر از حضرت ابوعبدالله علیه السلام روایت شده است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که از حج بدرود باز می گشت، سوار بر شتر خود به فرارگاه ما گذر فرمود پس نزد ما ایستاد و سلام کرد و ما به آن حضرت علیه السلام پاسخ دادیم، آنگاه فرمود: از چیست که می بینم دنیا دوستی ... تا پایان حدیث.

۲. در پارهای از نسخه های تازه اضافه دارد «و بیوهم - و خانه های (ابدی) ایشان»

ترجمه آقا محمد رضا

هاورد حذر